

				
جواهری در مه فرهاد فتحی	وضعیت دانشگاه‌های عکاسی فرهاد فخریان	اندیشه و عمل استاد میرسعید قاضی هوشنگ عباس‌زاده	دغدغه‌های استاد میرسعید قاضی امیرعباس تقی‌پور	نیم‌ننگ
۱۶	۱۵	۱۴	۱۴	

نگاه ۱

نکثر کاظم معتمدنژاد

همراه همیشگی دکتر نطقی



علی میرسعیدقاضی از همکاران پرتلاش مرحوم دکتر نطقی بودند که همواره در کمک به تدریس دروس حوزه روابط عمومی، همراه ایشان بوده و نقش مهمی را در این مسیر ایفا کردند. ایشان که جزء پیشکسوتان آموزش روابط عمومی در ایران در کنار مرحوم دکتر نطقی بودند، همواره با علاقه‌ای خاص و صمیمیتی فراوان، به توسعه آموزش‌های مرتبط با حوزه روابط عمومی می‌پرداختند و همواره خود را در کنار دکتر نطقی می‌دانستند. پس از فوت ایشان هم همکاری‌های میرسعیدقاضی برای دانشکده و رشته‌های مرتبط با علوم ارتباطات معتنم بود و دانشجویان این رشته، بسیار از شیوه تدریس ایشان بهره می‌بردند. ایشان همچنین کتاب‌ها و مقالات مختلفی را هم ترجمه و تالیف کرده‌اند و در مجموع می‌توان گفت علی میرسعیدقاضی نقش بسیار مهمی را در پیشرفت این رشته مهم و تاثیر گذار ایفا کرده است.

نگاه ۲

میرزایابا مهری‌نژاده

استاد علی میرسعیدقاضی را چگونه می‌بینم



«رشته روابط عمومی باید هویتی مستقل از روزنامه‌نگاری و رسانه داشته باشد. چنانچه تحت سیطره رسانه‌ها قرار گیرد، دیگر نمی‌توان نام روابط عمومی بر آن گذاشت.»

این نکته ظریف و دقیق، از سخنان خردمند فرهیخته استاد علی میرسعیدقاضی در مراسمی است که به مناسبت بزرگداشت مقام وی در سال گذشته برگزار شد. این شاگرد کوچک مکتب روابط عمومی (نگارنده مطلب) اگرچه پیش از آن با آرا و اندیشه‌های استاد آشنایی مبسوطی داشتم و ایشان را آگاه به جوهره و عصاره هنر فن روابط عمومی می‌دانستم، شنیدن این کلام زنده از زبان وی، مراتب ارادت و اعتقاد به شأن علمی ایشان را دوچندان کرد.
پروفسور کاظم معتمدنژاد- که عنوان پدر علوم ارتباطات ایران را به خود اختصاص داده- استقرار و توسعه روابط عمومی در کشور و استحکام مبانی آن را مروهن تلاش‌های خالصانه و افکار بلند استاد می‌داند و از او به عنوان چهره‌ای تاثیرگذار و عملکردا در حوزه روابط عمومی یاد می‌کند و علاقه بی‌حد و حصر به پژوهش را از جمله ویژگی‌های وی می‌شمرد، به طوری که هفت عنوان از ۱۳ عنوان کتابی که توسط ایشان تالیف شده، در دانشگاه‌ها به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شود. این مطلب نشانگر رای صائب استاد در علم، هنر و فن روابط عمومی و استحکام نظریات اوست.
اگرچه برای هر اندیشمند و صاحب‌نظری، گاه احتمال برخی آرای غث و سمین محتمل است، لکن این موارد نادر را نباید در شمار کلیات برشمرد. استاد میرسعیدقاضی در سخنانی در مراسم بزرگداشت خود می‌فرماید: «روابط عمومی یک شغل است که قائم به ذات خود، و در راس مجموعه ارتباطات کشور بوده که برای پیشبرد اهداف سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شده است.» اینجانب در جایگاه یک علاقه‌مند و پیگیر اندیشه‌های استاد، اگرچه اطلاقی «شغل» به روابط عمومی را نمی‌پذیرد، مع‌الوصف این یک تفاوت دیدگاه است و بر این باورم که تکیه بر استقلال روابط عمومی از سوی ایشان به حدی حائز اهمیت است که این اطلاقی خدش‌های به شأن و شکوه علمی پژوهشی وی وارد نمی‌سازد.
گرچه استاد میرسعیدقاضی در مجامع دانشگاهی و در بین دانشجویان بیشتر به استاد پیشکسوت و آگاه به زبان تخصصی (انگلیسی) ارتباطات و فن ترجمه اشتها دارد، و در فنون جدید و حوزه ارتباطات الکترونیک ورود نکرده است و در آسیب‌شناسی علمی تئوری و عمل روابط عمومی سخن یا اثر مستند برجای نگذاشته است، اما پشتکار در تدریس و ترجمه و حضور در مجامع مرتبط با روابط عمومی موقعیت علمی‌ای برای استاد فراهم ساخته که بگویم ویژگی‌های علمی و بلندی مرتبه استاد در روابط عمومی تا به آن پایه و مایه است که در این مختصر نمی‌گنجد. در مورد خصائص فردی ایشان نیز آنچه گفت‌اند و نوشته‌اند و شاهد بوده‌ایم، جمله می‌نماید که عشق و علاقه وی به روابط عمومی- اگر نگوییم بی‌نظیر- به طور قطع کم‌نظیر است.
هر کجا و هر زمان پرچمی با نام روابط عمومی برافراشته شده، استاد نهایت سعی و تلاش خویش را برای استمرار اهتزاز آن بذل کرده است. قبول حضور در مجامعی که به هر عنوان با روابط عمومی مرتبط است، از جمله خصائص شخصیتی اوست که به نحوی که در این زمینه، به گونه یک نمونه و شاخص معرفی شده است تا آنجا که برخی از این اهتمام و تواضع استاد در مشروعیت‌بخشی کارهای کم‌مایه خود سوءاستفاده نیز کرده‌اند. وی این رویه را حتی در روابط فردی نیز تداوم و عنینت بخشیده، به طوری که با هر که ارتباط برقرار کند، هرگز مجال نمی‌دهد که روابط دچار قوتور یا فترت شود حتی با آنان که ارتباطات را به تسامح و تساهل طی می‌کنند. و این البته نشانه‌ای از حسن سلوک، پایداری و وفاداری به روابط، و همچنین روح بلند و همت والای او در برقراری ارتباط است. از جمله مهم‌ترین آثار وی موارد زیر را می‌توان نام برد.

- تئوری و عمل در روابط عمومی و ارتباطات
- مخاطب‌شناسی
- رسانه روابط عمومی (ترجمه)

که در آنها نکات فراوان ناگفته و مغفول از روابط عمومی مورد موشکافی و بازخوانی و تازه‌خوانی قرار گرفته که خواننده و کارگزار روابط عمومی را طی طریق اصولی این هنر فن توانمندتر می‌کند. نیم‌قرن تلاش، تحقیق، تدریس، ترجمه، مشاوره، حضور در صحنه‌های علمی و عملی، ادب بالای معاشرت و برخورد توأم با احترام و پامیردی به حفظ و تداوم ارتباط با فعالان عرصه روابط عمومی در داخل و خارج از کشور از استاد میرسعیدقاضی چهره‌ای فراموش‌نشانی در اذهان باقی نهاده است. خدایش به سلامت دارد.

***نایبرئیس انجمن روابط عمومی ایران و مدیر مسوول ماهنامه روابط عمومی**



استاد میرسعیدقاضی در کنار بزرگان علم ارتباطات ایران

• یکی از معدود بازماندگان نسل اول روابط عمومی در ایران است. از سال ۵۱ که فارغ‌التحصیل شد تا به امروز، همواره اندیشه و عملش به موازات هم در مسیر تعالی حرفه روابط عمومی پیش رفته است و در این کار و با تالیف و ترجمه کتاب‌هایی متعدد، دغدغه‌اش نسبت به توسعه کیفی این حرفه را به اهالی خانواده بزرگ روابط عمومی ایران نشان داده است. هنوز هم با وجودی که به سبب یک عمل جراحی سخت، در خارج از تهران و زادگاه پدری‌اش طالقان زندگی می‌کند، روزی چند ساعت می‌خواند و می‌نویسد و به قول خودش نشستن در اتاق کوچکش را در حالی که چند کتاب روبه‌رویش قرار دارد و او مشغول تالیف و ترجمه است با هیچ چیز دیگر در زندگی عوض نمی‌کند.
استاد علی میرسعیدقاضی استاد پیشگام در حوزه روابط عمومی در این گفت‌وگو از گذشته‌اش می‌گوید و اینکه چگونه به دنیای روابط عمومی راه پیدا کرد و بر آن شد تا کمبود ادبیات نظری این حوزه را با تالیف و ترجمه کتبی چند به بهترین نحو بر کند. او همچنین در این گفت‌وگو از دغدغه‌هایش می‌گوید: دغدغه‌هایی که از جنسی کاملاً متفاوت با حرفه اصلی‌اش هستند و به نگرانی‌های استاد برای آینده فضای زیست انسان‌ها برمی‌گردد....



استراتژیک است و بخشی تاکتیکی. حقیقت این است که در ایران امروزه به دلیل مشکلات و مسائلی که ناشی از مسائل سیاسی و بین‌المللی است الزاماتی به روابط عمومی‌ها تحمیل می‌شود که جهت روابط عمومی را تغییر می‌دهد و منجر به آن می‌شود که مسیر اولیه و اصل روابط عمومی که همان فعالیت‌های ارتباطی است با تغییر جهت همراه شود. حقیقت این است که روابط عمومی ما در چارچوب واقعیات سیاسی ایران شکل می‌گیرد و چارچوب‌های کاری‌اش مشخص می‌شود. می‌دانید که ایران در خاورمیانه قرار دارد و خاورمیانه یکی از بحرانی‌ترین نقاط جهان است. اگر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ۸۰ درصدش راجع به خاورمیانه است و این نشان می‌دهد خاورمیانه تا چه حد منطقه تنش‌زایی است. از سوی دیگر اگر جلسات مجمع عمومی سازمان ملل را هم بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که بیش از ۸۵ مورد آن درباره مسائل خاورمیانه بوده است.

ایران هم در این بین به عنوان عصری در خاورمیانه مشکلات خاص خود را دارد. این مشکلات در شیوه‌های اداره مملکت تاثیرات خودشان را می‌گذارد و ضرورتاً یک الزامات و محدودیت‌هایی را درباره نحوه اداره مملکت به ما تحمیل می‌کند. نتیجه این می‌شود که مدیریت‌های کلان ما از یک طرف و روابط عمومی‌های ما از طرف دیگر آن آزادی و رهایی از قید و بندها را در اختیار نداشته و مجبور باشند با محدودیت‌هایی کارشان را پیش ببرند.

مشکل دوم استراتژیک، سلیقه‌های مدیران کلان مملکت است یعنی این مدیران از آنجایی که دیدگاه‌های خاص خود را درباره مدیریت کشور دارند خود به خود الزاماتی را به روابط عمومی‌ها تحمیل می‌کنند که برای آنها بسیار دردرس ساز و مشکل‌آفرین است. اما در کنار این دو عامل و شاید مهم‌تر از آنها، روابط عمومی‌های ما با یکسری مشکل تاکتیکی هم روبه‌رو هستند.

عمومی را مطرح می‌کند آن را با همکاری احمد خاموش ترجمه و روانه بازار کتاب کردم. در ادامه مسیر فکر کردم زمان آن است که یک دیکشنری کامل فرهنگ انگلیسی به فارسی در حوزه روابط عمومی مورد نیاز است. این گونه شد که شش سال تمام روی این کتاب وقت گذاشتم و آن را ترجمه کردم اما آن طور که فکر می‌کردم این کتاب مورد استقبال قرار نگرفت، که فکر می‌کنم زبان ضعیف و بچه‌ها و سنگینی این کتاب از دلایل عمده این عدم استقبال بود. فکر می‌کنم بعدها که زبان دانشجویان قوی شود ظرفیت استفاده از این کتاب هم در همان زمان پیدا خواهد شد.

- حمایت و پشتیبانی از انتشار نشریات و انجمن‌های تخصصی حوزه روابط عمومی هم همواره در برنامه‌های شما جای داشته است. با چه نیت و انگیزه‌ای از انتشار نشریات تخصصی حوزه روابط عمومی حمایت می‌کردید؟
در کنار تالیف و ترجمه کتب مختلف، علاقه زیادی به رانداندازی نشریات تخصصی حوزه روابط عمومی داشتم، از همین رو از انتشار نشریات هنر هشتم، تحقیقات روابط عمومی و کارشناس روابط عمومی حمایت کرده و در ابتدای کار آنها را تشویق به راهی که آغاز کرده بودند، کردم. همچنین پس از رانداندازی انجمن روابط عمومی ایران، انجمن متخصصان روابط عمومی و همایش روابط عمومی الکترونیک از این امر به شدت استقبال کردم و تمام تلاش‌م را برای ارتباط این انجمن‌ها با مجامع جهانی روابط عمومی می‌ذول داشتم زیرا همواره بر این اعتقاد بودم که رشته‌ای می‌تواند موفق شود که هم کتاب‌های تخصصی حوزه‌اش پر تعداد باشد و هم نشریات تخصصی حوزه‌اش فعال و پویا.

زبان تخصصی حوزه‌اش فعال و پویا.

دغدغه‌های استاد میرسعید قاضی

امیرعباس تقی‌پور

۱۴

گفت‌وگو با علی میرسعیدقاضی استاد پیشگام در حوزه روابط عمومی ایران

همواره نگاهم به نیمه پریلیوان است



پژمان موسوی
pejman.mousavi@gmail.com

- جناب استاد میرسعید قاضی از دوران کودکی و نوجوانی خود بگویید: از روزهایی که به واسطه متولد شدن در یک خانواده فرهنگ‌دوست و فرهگی، سرنوشت‌تان به سمت شغل پدر که معلمی و تدریس و آموزش بود، سوق پیدا کرد.

زمانی که من در تجربش چشم به جهان گشودم، پدرم معاون مدرسه شاپور سابق بود. او که همزمان معلم هم بود علاقه شدیدی به ادبیات و شعر فارسی داشت، جو خانواده ما را طوری بار آورده بود که فضایی علمی و ادبی در آن حکمفرما بود، چه بسیار شب‌ها بود که او برایمان شعر می‌خواند یا کتاب‌های ادبیات کلاسیک را برایمان مرور می‌کرد و ما از آن لذت می‌بردیم و بی‌آنکه خود بدانیم، سرنوشت آینده‌مان رقم می‌خورد. شاید به همین دلیل هم بود که من و سه برادر دیگرم هگی مسیر او را دنبال کرده و علاقه‌مند به تدریس شدیم به نحوی که هم‌اکنون یکی از برادرانم استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران است، دیگری استاد در رشته پلیمر، دیگری دبیر و من هم که معلم. اما ماجرای من با بقیه برادرانم کمی فرق دارد و معنای معلم برای من دارای مصداق خاصی است. از آنجایی که پدرم مدیری توانا در مدارس بود در هر منطقه‌ای که مدرسه‌ای بنا می‌کردند در ابتدا مسوولیت اداره‌اش را به او می‌سپردند به نحوی که پدرم در اولین مدارس مناطق دروس، رستم‌آباد، شمشک و... مدیر مدرسه بود و ما هم باطبیع با او از این مدرسه به آن مدرسه و از این محله به آن محله می‌رفتیم. تا اینکه بالاخره دوره دبیرستان فرا رسید و من این دوره را در دبیرستان جامی و کلاس ۱۱ و ۱۲ را در رشته ریاضی و در مدرسه نظام به پایان بردم. در آن زمان خودم مایل بودم نظامی باشم اما آموزه‌های خانوادگی در من به حدی قوی بود که نتوانستم به قسمت‌های عملیاتی و نظامی ارتش بروم و در نهایت هم به عنوان معلم جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی، در گروه آموزشی علوم اجتماعی به استخدام ارتش درآمدم. همزمان از آنجایی که از کودکی به کارهای نوشتاری علاقه داشتم و انشاهای خوبی می‌نوشتم همکاری‌ام را با ماهنامه ارتش و رادیو ارتش آغاز کرده و نگارش مطالب آموزشی آنها را بر عهده گرفتم. جالب است بدانید در آن زمان خسرو معتمد، جنتی‌طعانی و سعید نیازکرمانی از همکاران خوب من بودند. در سال ۴۵ و در برخوردی که بین ایران و عراق پیش آمد من مسوول تهیه گزارش‌های خبری از این رویداد بودم که اتفاقاً گزارش من هم در آن زمان به عنوان گزارش برتر شناخته شد و در مراسمی از من تقدیر شد. در واقع می‌خواهم بگویم از همان آغاز من در کنار تدریس جامعه‌شناسی در ارتش، به کار روزنامه‌نگاری هم علاقه داشتم و آن را به طور جدی دنبال می‌کردم. از سوی دیگر ما در آن زمان به عنوان فارغ‌التحصیل دانشکده افسری مدرکی معادل لیسانس داشتیم که من با همین مدرک توانستم در کتکور کارشناسی ارشد شرکت کرده و در رشته علوم تربیتی پذیرفته شوم. شاید برایتان جالب باشد که در آن زمان سیدمحمد خامدی و علی‌اکبر ناطق نوری هم، هم‌دانشکده‌ای من بودند.

- چگونه شد که در کنار کار تجربی در حوزه روزنامه‌نگاری تصمیم گرفتید به طور آکادمیک با مباحث علوم ارتباطات و دنیای آن هم آشنا شوید؟ انگیزه اصلی شما از شرکت در آزمون علوم ارتباطات چه بود؟
من با اینکه در آن سال‌ها با چند مجله همکاری می‌کردم و برای کیهان گزارش می‌نوشتم دلم می‌خواست رشته روزنامه‌نگاری را به صورت علمی و دانشگاهی بیاموزم و به این وسیله به مهارت‌های سامان آکادمیک هم بدهم تا اینکه با دشواری‌های فراوان توانستم ارتش را متقاعد کنم که این اجازه به من داده شود در آزمون موسسه مطبوعات و روابط عمومی (دانشکده ارتباطات فعلی) شرکت کنم. خلاصه در سال ۴۸ و در دوره دوم این موسسه شرکت کرده و در رشته روزنامه‌نگاری پذیرفته شدم و ارتش هم پذیرفت که من چهار سال آزاد بوده و تحصیل کنم و بعد از فارغ‌التحصیل شدن مجدداً به ارتش بازگردم. در سال‌های تحصیل از آنجایی که من فوق‌لیسانس داشتم، خودم فکر می‌کنم برداشت‌های من خیلی قوی‌تر از سایر هم‌دوره‌هایم بود و تکلیف را خیلی بهتر از سایرین انجام می‌دادم. به هر صورت من در سال ۵۱ و در رشته روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی لیسانس خود را اخذ کردم و به دنبال آن و با موافقت دانشکده و ارتش به لندن رفتم و دوره کوتاه‌مدت انستیتو روابط عمومی لندن را گذراندم و پس از آن هم با هزینه شخصی خودم به مرکز روابط عمومی اروپا (CFP) در پاریس رفتم و پس از بازدید از آنجا و کسب آموزه‌هایی به